

## تحلیل گفتمان منظومه نشانی سهراب سپهری (باتوجه به الگوی مایکل هیلیدی ورقيه حسن)

دکتر سکینه دشتیان نژاد\*

هومن نمازی\*\*

### چکیده

نظریه نقش گرای مایکل هیلیدی از نظریه‌های رایج در مبحث تحلیل گفتمان است. تحلیل گفتمان به بررسی متن (گفتار و نوشتار)، در حدی فراتر از تجزیه و تحلیل واژگانی، واجی، نحوی و دستور زبانی صرف، می‌پردازد. این مفهوم، جنبه‌ای کیفی در پژوهش دارد و نیز در تمام رشته‌های علوم انسانی با رویکردهای انتقادی، روانکاوی و تحلیل گفتمان‌عادی کاربرد دارد. تمام نقش‌گرایان به زبان، به مثابه یک پدیده اجتماعی می‌نگرند و بافتموقعیت متن را بسیار مد نظر قرار می‌دهند. مایکل هیلیدی نظریه پرداز زبانشناسی نوین با مطرح ساختن تاثیر موقعیت و فرهنگ در متن (گفتار و نوشتار) به زبانه‌مثابه یک امر اجتماعی می‌نگرد. منظومه نشانی در مجموعه حجم سبز در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسید. این منظومه متضمن مضامین عرفانی شرق دور و فلسفه نگاه تازه کریشنا مورتی است که منتقدان و مفسران زیادی در این باره تحقیقاتی انجام داده‌اند، اما تقریباً هیچ‌کدام این منظومه را تحلیل گفتمانی نکرده‌اند. تلاش نگارندگان در این پژوهش بر آن بوده است که با تحقیقات کتابخانه‌ای براساس نظریه نقش گرای مایکل هیلیدی به تحلیل گفتمان منظومه نشانی

\* دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتاح شهری و استادیار دانشگاه آزاد

[s.dashtiannejad@gmail.com](mailto:s.dashtiannejad@gmail.com)

اسلامی واحد شهرقدس

\*\* دانشجو معلم کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتاح شهری

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۰۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۱



سهراب سپهری پردازند. ابتدا طبق الگوی تعریفی هلیدی در رابطه با کارکرد های زبانی که شامل ساخت اندیشگانی، ساخت متنی، ساخت بینافردی است به بررسی متن شعر پرداخته شده، مشخص کردن جایگاه مشارکان و فرآیند ها در متن، در جایگاه بعدی مورد توجه قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** مایکل هلیدی، نقش گرای، رقیه حسن، سهراب سپهری، منظومه نشانی

### مقدمه: (بیان مسئله، طرح پرسش، پیشینه تحقیق)

گفتمان یکی از مفاهیم پرکاربرد در مباحث نظری معاصر می‌باشد که در پژوهش‌ها جنبه کیفی دارد و در تمامی رشته‌های علوم انسانی کاربرد دارد؛ اعم از علوم سیاسی علوم اجتماعی، حقوق و جزاین ها. در ایران نیز به ویژه در دو دهه اخیر، این مفهوم کاربرد فراوانی داشته است و پژوهشگران بسیاری به واسطه این مفهوم تحقیقات فراوانی به جا گذاشته‌اند.

گفتمان به صورت انتقادی، روانکاوی، و عادی ظاهر میشود. هدف این مقاله تحلیل عادی گفتمان منظومه نشانی از سهراب سپهری (۱۳۰۷-۱۳۵۹) با توجه به الگوی مایکل هلیدی و رقیه حسن است که از آن به عنوان دستور زبان نقش گرا یاد می‌شود.

مایکل هلیدی در دستور زبان نقش گرای خود از مفهوم بافت استفاده می‌کند و کارکردهایی را بری آن ذکر می‌کند. پیش از هلیدی برونیسلاو مالینوسکی، مردم شناس لهستانی، هنگامی که در حال انجام تحقیقات خود در جزایر تروبریاندر اقیانوس آرام بود، مفهوم بافت را مطرح می‌کند؛ به این صورت که او به این مشکل برخورد که چگونه نظراتش را در باب فرهنگ به خوانندگان انگلیسی زبان تفسیر و منتقل کند. بنا براین در طی مقاله‌ای در سال ۱۹۲۳ با کمی پوزش و عذرخواهی واژه بافت موقعیت را ابداع نمود. منظور او از بافت موقعیت، محیط متن است (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص ۴۲). در نهایت هلیدی (۱۹۲۵) با الهام از مفهوم بافت موقعیت و نظریه استاد خود، جان رابرت فرث (۱۸۹۰-۱۹۶۰)، که بر پایه بافت موقعیت مطرح نموده بود؛ نظریه زبانشناسی نقش گرا را مطرح نمود که به تحلیل متن با توجه به نقش عناصر زبانی می‌پرداخت. (هلیدی، ۱۳۷۳، ص ۱۳) این دستور به این نمی‌پردازد که چگونه زبان درون مغز انسان پردازش یا بازنمایی می‌شود؛ بلکه به گفتمان های گفتاری و نوشتاری که تولید می‌کنیم و بافت های تولید این متون توجه می‌کند



(أدال، ۲۰۱۱). در واقع هلیدی بیشتر به تولید معنی و نظرات پساساختارگرایان که به بافت و بستر تولید متن معطوف بود (که شامل بافت موقعیت و بافت فرهنگی می شود) توجه داشت. او در این باره اظهار می کند که برای بررسی ساختاری متن باید به سه عنصر توجه کرد که عبارتند از:

ساخت اندیشگانی که به بررسی زبان در بازنمود واقعیت می پردازد (فرانقش تجربی)، در این قسمت باید گفت که هر فرایندی از سه بخش تشکیل می شود:

الف) خود فرآیند که در مقوله دستوری، در گروه فعلی نمود می یابد.  
ب) شرکت کنندگان که در قسمت گروه اسمی تحقق می یابد و با توجه به نوع فرایند متفاوت است.

ج) عناصر بیرونی که در گروه قیدی یا گروه اضافی ظاهر می شوند.  
اقسام فرایند هم عبارتند از: ۱- فرآیند ذهنی، ۲- فرآیند ذهنی ۳- فرایند رابطه ای ۴- فرایند رفتاری ۵- فرایند کلامی ۶- فرایند وجودی ساخت متنی که به نقش زبان در پیوند با بافت خود می پردازد (فرانقش متنی) هلیدی این بخش را به دوساخت متمایز ساخت آویزه-آغاز و ساخت اطلاعاتی و یک بخش غیرساختاری به اسم انسجام تقسیم کرده است.

ساخت آویزه-آغاز، ساختی گوینده محور است؛ یعنی اگر فاعل در جایگاه آغاز بند قرار گیرد، آن بند، بندی بی نشان است؛ در غیر این صورت بندی نشان دار است.

ساخت اطلاعاتی دارای ۲ بخش است: اطلاعات نو-اطلاعات کهنه. این نو و کهنه بودن هنگامی معنا می دهد که از منظر مخاطب به پیام بنگریم، نه از منظر سخن گو. ازین رو ساخت اطلاعاتی، ساختی مخاطب محور است.

انسجام به مناسبات معنایی ای اشاره دارد که میان عناصر متن وجود دارد. عوامل انسجامی عبارتند از: ارجاع، حذف، جایگزینی، ادات ربط و انسجام واژگانی ساخت بینافردی که به نقش زبان در رابطه با تعامل بین افراد می پردازد. (فرانقش بینافردی) در این ساخت هر یک از افراد ایفاگر نقشی می شوند: ۱- خبری می دهد ۲- سوالی می پرسد ۳- چیزی عرضه می کند ۴- فرمانی می دهد.



به عقیده مایکل تولان دستور نقش‌گرای هلیدی یکی از مفیدترین، معنا محورترین و کارآمدترین دستورهای معاصر است که می‌توان از آن در تحلیل متون ادبی استفاده کرد. (تولان، مایکل، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵).

زبان‌شناسان نسبت به زبان دیدگاه‌های متعدد و مختلفی دارند؛ به عنوان نمونه سوسور بیشتر به ساخت‌گرایی توجه دارد و می‌گوید: نشانه‌های زبانی معنی خود را به واسطه تفاوتشان با نشانه‌ای دیگر دارند و معانی را مانند گره‌های تور ماهی‌گیری می‌دانست.

پساساخت‌گرایان تا این قسمت که تفاوت نشانه‌ها باعث تفاوت معانی آنها می‌شود را قبول دارند اما بحث بستر تولید معنا یا همان بافت موقعیتی را پیش می‌کشند. افرادی مانند لاکلا و موف که پیروان این فکر هستند در این باره می‌گویند:

یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا، حول گره‌گاه‌های خاص شکل می‌گیرد. (یورگنسن-فلیپس، ۱۳۹۴، تحلیل گفتمان، ص ۵۷) تقریباً تمامی زبان‌شناسان ساخت‌گرا، پاساساخت‌گرا و در نهایت نقش‌گرایان به مسئله زبان به مثابه یک پدیده اجتماعی اعتقاد دارند.

سهراب سپهری به عنوان یکی از برجسته‌ترین نوپردازان و پیروان نیما در شهر کاشان چشم‌به‌جهان گشود؛ تاثیر او از عارف هندی، کریشنا مورتی و فلسفه نگاه تازه او (شمیسا، سیروس، ۱۳۷۴، ص ۱۴) غیرقابل انکار است و نگاه خاص او به دنیا و نمود این نوع نگاه وی در اشعارش، باعث وارد شدن نقد‌های سنگین به شعر و شخصیت او شد که ذکر این نقد‌ها و دلایل آن در این مقال نمی‌گنجد. او منظومه‌نشانی را در مجموعه سبز به سال ۱۳۴۶ سرود. در این مقاله تلاش می‌شود تا این منظومه، منطبق با چهارچوب هلیدی-حسن در رابطه با دستور زبان نقش‌گرا تحلیل گفتمان شود.

در رابطه با شخصیت سهراب سپهری و اشعار وی تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است، اما به جز چند پژوهش، به تحلیل گفتمان اشعار وی نپرداخته‌اند. در اینجا چندی از آنان را نام می‌بریم: نگاهی به سهراب سپهری (شمیسا، سیروس، ۱۳۷۴) که طی آن به مکتوب کردن گفته‌های کلاس درس می‌پردازد و ۴ مجموعه معروف سهراب به علاوه ۵ چند منظومه منفرد وی را تشریح می‌کند و بیشتر جنبه معنی شعر و معرفی شاعر دارد و در آن رنگی از تحلیل متن یا گفتمان سهراب نیست.



در کتاب نقد شعر سهراب سپهری (شمیسا، سیروس، ۱۳۷۴، ص ۲۶۳) می گوید: یکی از شعرهای سپهری که بسیار شهرت یافته است؛ شعر نشانی است که برخی آن را بهترین شعر او دانسته‌اند. در مقاله باغ عرفان سهراب (نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه باهنر کرمان، ۱۳۸۴، ش هجدهم) فقط عارف بودن یا نبودن سهراب بررسی شده است و قرائت اشعار وی اکثراً رسیدن به مسئله عرفان است. در کتاب طلا درمس (براهنی، رضا، ج اول، ۱۳۷۱) نویسنده بیشتر باذوق شاعری شعر را بررسی می کند و رنگ‌هایی از نقد هم به چشم می خورد.

شمار مقالات و کتب تالیف شده در این باره بسیار است اما در میان آنهایی که به تحلیل گفتمان پرداخته‌اند می توان به تجزیه و تحلیل گفتمانی-دستوری منظومه صدای پای آب (مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۶) اشاره کرد.

که طی آن، نگارنده به تحلیل گفتمان براساس الگوی هلیدی در سطح کلان گفتمان والگویی شفایی (۱۳۶۳) و فرشیدورد (۱۳۶۳) در بررسی سطح خرد جملات پرداخته است. نویسنده مقاله مذکور علاوه بر به کارگیری روش کیفی، یعنی تحلیل گفتمان، با استفاده از جدول‌های کمی، آماردقیقی نسبت به موضوع پژوهش خود ارائه داده است.

شمس الحاجیه اردلانی در مقاله‌ای تحت عنوان کارکرد اسطوره‌ها در اشعار سهراب سپهری (فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، ۱۳۹۵، ش ۴۲، ص ۱۱-۴۲) به بررسی اسطوره‌ها و کارکرد آنها در اشعار سهراب سپهری پرداخته است. ایشان طی این مقاله به تعریف اسطوره و نقش اسطوره‌ها در آثار ادبی پرداخته است و در نهایت به تحلیل و بررسی اسطوره‌ها در اشعار سهراب می‌پردازد. در این مقاله هم اثری از تحلیل گفتمانی وجود ندارد.

کامیار عابدی (از مصاحبت آفتاب، ۱۳۹۳، نشر ثالث) در کتاب خود زندگی و ۳۶ شعر سهراب را که در هشت کتاب چاپ نشده بود را چاپ کرده و در قسمتهایی اندیشه در شعر سهراب را بررسی کرده است. این کتاب بخش‌هایی به نام‌های: آغاز اندیشه، شامل شعر مرگ رنگ؛ برزخ اندیشه، شامل منظومه‌های شرق اندوه و آوار آفتاب؛ بهشت اندیشه، شامل منظومه‌های صدای پای آب مسافر و حجم سبزو در بخش فرجام اندیشه شعر ماهیچ، مانگه را مورد بررسی و نقد قرار داده است.



### معرفی منظومه نشانی

منظومه نشانی در مجموعه حجم سبز در سال ۱۳۴۶ توسط سهراب سپهری که در ۱۳۰۷ در شهر کاشان متولد شد به چاپ رسید. این شعر مضامین عرفانی زیادی دارد که در کتب متعددی به آن اشاره کرده‌اند. این مسئله که سپهری شاعری عارف مسلک بوده است را تقریباً تمامی بزرگان ادب معاصر به آن اشاره کرده‌اند. سهراب تاثیر فراوانی از فلسفه نگاه تازه کریشنا مورتی، عارف هندی، پذیرفته است و این را می‌توانیم در مجموعه ماهیچ، ما نگاه حس کنیم.

### منظومه نشانی

خانه دوست کجاست؟ در فلق بود که پرسید سوار.

آسمان مکثی کرد.

رهگذر شاخه نوری که به لب داشت به تاریکی شن‌ها بخشید

و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت:

«نرسیده به درخت،

کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است

و در آن عشق به اندازه پره‌های صداقت آبی است

می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ، سر بدر می‌آرد،

پس به سمت گل تنهایی می‌پیچی

دو قدم مانده به گل،

پای فواره‌ی جاوید اساطیر زمین می‌مانی

و تُرا ترسی شفاف فرا می‌گیری.

در صمیمیت سیال فضا، خش‌خشی می‌شنوی

کودکی می‌بینی، رفته از کاج بلندی بالا

جوجه بردارد از لانه نور، و از او می‌پرسی

خانه دوست کجاست؟»



بررسی متن شعر:

حال به بررسی سه ساخت بررسی متن از نظر مایکل هلیدی می پردازم که شامل ساخت اندیشگانی، ساخت بینا فردی و ساخت متنی است و بعد به بررسی نقش های گفتاری استعمال شده در متن پرداخته می شود.

متن: مولفه کارکردی نظام معنایی	قابل تشخیص به وسیله ی	موقعیت: ویژگی بافت متن
ساخت اندیشگانی (تجربی) (گذرایی، نام گذاری و جزآن)	/	زمینه گفتمان (چه چیزی در جریان است)
ساخت بینا فردی (حالت، وجهیت، شخص و...)		عاملان گفتمان (چه کسانی در گفتمان مشارکت دارند)
ساخت متنی (ساخت موضوعی، ساخت اطلاعی، روابط انسجامی)		شیوه گفتمان: (نقشی که به زبان واگذار می شود)

جدول (۱) ارتباط متن و بافت موقعیت

«خانه دوست کجاست؟ در فلق بود\* که پرسید\* سوار.



ساخت متن:

ساخت اندیشگانی (تجربی): فرآیند پرسش سوال توسط سوار کاری مجهول‌الهویه (فاعل) در جایی یا زمانی به اسم فلق (جایی روشن؛ فلق در اصل به معنی شکافنده است و معنی صبح می‌دهد. «شمیسا، سیروس، نگاهی به سپهری، ۱۳۷۴، ص ۲۶۵»)

ساخت بینا فردی: کنشگر این جمله (فاعل) سوار کار است- فعل پرسید به واسطه سوار کار. ساخت متنی: سوار کار (فاعل) - در فلق (قید زمان یا شاید مکان) - پرسید (کنش، فعل) - خانه دوست (مسند الیه) - کجا (کلمه پرسشی) - است (فعل اسنادی) براساس الگوی مایکل هلیدی در رابطه با ساخت‌ها یا کارکردها یا همان موارد اسفاده زبان (زبان و یافت و متن، هلیدی-حسن، ۱۳۹۳، ص ۶۵) باید به این نکته اشاره شود که در اینجا مشارک فرآیند پرسش: سوار؛ فرآیند: پرسید؛ خانه دوست کجاست:

مشارک دیگر فرآیند؛ می‌باشند. زمینه این گفتمان پرسشی وجودی در رابطه با دوستی است که سوار کاری در پی یافتن آن است. پرسش در اینجا فرآیندی انتزاعی است که اصل گفتمان در این نقطه شکل می‌گیرد؛ در ادامه ی آن می‌پرسد «خانه دوست کجاست؟» و این سوال که به عنوان مشارک دیگر فرآیند توصیف شد، اصطلاحاً هدف نامیده می‌شود.

در ساخت بینا فردی، این قسمت از شعر که شامل گوینده (پرسشگر) و شنونده می‌باشد توجه به نقش‌های گفتاری گویندگان مهم جلوه می‌کند. متن مکتوب در قسمت بالا دارای تعاملی دوجانبه است. متن، زبان است که نقش ایفا می‌کند؛ یعنی کاری را در بافتی انجام می‌دهد. (زبان و بافت و متن، هلیدی-حسن، ۱۳۹۳، ص ۴۹) متن یک پدیده دوسویه و تعاملی است و از برقراری ارتباط حکایت می‌کند. یعنی فقط گوینده (شاعر یا نویسنده) نیست که در متن وجود دارد؛ بلکه مخاطب او (خواننده) هم در گیر است و مورد پرسش قرار گرفته است. از او سوال شده، شاعر این سوال را پرسیده است، پس مخاطب نباید ساده از این سال بگذرد. باید جوابی هرچند پیش پا افتاده بدهد و این مساله به اصل اعتبار بخشی به مخاطب در نظریه هلیدی مربوط می‌شود. با توجه به اینکه شاعر اول می‌گوید:





«خانه‌ی دوست کجاست» و بعد از آن می‌گوید: «در فلق بود که پرسید سوار». این جا ابتدا جمله «در فلق بود...» را مطرح نکرده و این حائز اهمیت است.

در این جاست که خواننده، در هر جایگاهی، مخاطب گوینده می‌شود و در گیر می‌شود که: دوست کیست؟ دوست خانه هم دارد؟ ممکن است کجا باشد؟ و براساس همینکار کرد بینافردی زبان است که شرح‌های زیادی بر این منظومه نوشته شده است. در ادامه سهراب عناصر پیرامونی را می‌افزاید که همه‌گی نماینده و یا سمبلی هستند که نشانی دوست را می‌دهد و تمامی آن‌ها به بافت موقعیت متن کمک می‌کند و سوالی که ذهن گوینده را به خود مشغول ساخته به مخاطب نشان می‌دهد.

حال وقت آن است که به عناصر سه گانه بافت موقعیت پرداخته شود:

زمینه گفتمان: که به اتفاقی که در متن رخ می‌دهد می‌پردازد از طریق کارکرد اندیشگانی (تجربی) بیان می‌شود. (زبان و بافت و متن، هلیدی-حسن، ۱۳۹۳، ص ۷۹)

عاملان یا طرفین گفتمان که به اشخاصی که در گفتمان نقش ایفا می‌کنند اشاره دارد و مشخصا به واسطه کارکرد بینافردی بیان می‌شود.

شیوه گفتمان در ویژگی‌های واژی-دستوری متن بازتاب دارد. (زبان و بافت و متن، هلیدی حسن، ۱۳۹۳، ص ۸۰)

آسمان مکثی کرد.

رهگذر شاخه نوری که به لب داشت به تاریکی شن‌ها بخشید

و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت:

«نرسیده به درخت،

کوچه باغی است که از خواب خدا سبز تر است

و در آن عشق به اندازه پره‌های صداقت آبی است

می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ، سر بدر می‌آرد،

پس به سمت گل تنهایی می‌پیچی

دو قدم مانده به گل،

پای فواره‌ی جاوید اساطیر زمین می‌مانی



و ترا ترسی شفاف فرا می گیرد.

در صمیمیت سیال فضا، خش خشی می شنوی:

کودکی می بینی، رفته از کاج بلندی بالا؛

جوجه بردارد از لانه نور، واز او می پرسی

خانه دوست کجاست؟»

در این قسمت ها به صورت رمز گونه ای از واژگانی چون: سپیدار، کوچه باغ، گل، اساطیر زمین و دیگر واژگان استفاده می کند تا بگوید خانه دوست در مسیر این ها است.

به قول هلیدی نویسنده یا چیزی را به مخاطب می دهد یا چیزی از او می خواهد. این عامل تعامل است. به نظر نگارنده، متن این طور باید خوانده شود:

خانه دوست کجاست؟ در فلق (صبح) بود که پرسید سوار،

آسمان (خدا) [در روزگاری که به قول نیچه خدا در متن زندگی انسان های مدرن نقشی ندارد] از مکثی (از روی تعجب) کرد.

رهگذر شاخه نوری که به لب داشت به تاریکی شن ها بخشید

و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت: «نرسیده به درخت،

کوچه باغی است که از خواب خدا سبز تر است و در آن عشق به اندازه پره های صداقت آبی است. می روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ، سر بدر می آرد.

پس به سمت گل تنهایی می پیچی دوقدم مانده به گل، پای فواره ی جاوید اساطیر زمین می مانی، و

ترا ترسی شفاف فرا می گیرد. در صمیمیت سیال فضا، خش خشی می شنوی

کودکی می بینی، رفته از کاج بلندی بالا؛ جوجه بردارد از لانه نور، واز او می پرسی

خانه دوست کجاست؟ {نشانی دوست در دست کودک است، چون او خود دوست است.

کودک وجود هر انسانی خود اوست که یونگ برایش ایگو\* را مطرح می کند. تمام طبیعت را

پیمای و به خودت برس آنگاه دوست را می یابی. نشانی دوست درون توست.

فرجام سخن:



در این مقاله منظومه نشانی سهراب سپهری از کتاب حجم سبز که در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسید؛ مورد تحلیل گفتمان قرار گرفت. تلاش نگارنده بر آن بود تا با توجه به چهار چوب مایکل هلیدی و پروفیسور رقیه حسن که به زبان به مثابه یک امر اجتماعی می‌نگرند این منظومه را تحلیل گفتمانی کند. ابتدا شعر از نظر کارکرد های زبان که شامل سه ساخت ۱. اندیشگانی ۲. بینا فردی ۳. متنی بود بررسی شد و نتیجه این شد که طبق نظریه هالییدی مبنی بر اعتبار بخشی به مخاطب شاعر با پرسیدن یک سوال از زبان یک کنشگر زبانی یعنی سوار کاری مجهول الهویه (خودش) مخاطب را هم وارد گفتمان خویش می‌کند و سپس می‌گوید «در فلق بود که پرسید سوار». این توالی جملات نشان دهنده مساله اعتبار بخشی به مخاطب هستند که در مرحله بینا فردی مورد تحلیل قرار گرفت. سپس کنش گران و فرایندهای زبانی بررسی شدند و در نهایت مشخص شد که قرائت متن باید به این گونه باشد که دغدغه شاعر برای دانستن نشانی دوست، به خود وجودی (کود و درون) بر می‌گردد.

### کتابنامه

- آقا گل زاده، فردوس ۱۳۹۴ ریال، تحلیل گفتمان انتقادی، چاپ سوم، علمی فرهنگی.
- پیر لوجه، حسین، ۱۳۹۵، درظامدی بر تحلیل انتقادی گفتمان روایی، چاپ اول نشر نی.
- حق شناس، علی محمد ۱۳۹۰، زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، چاپ دوم، نشر آگه.
- سپهری، سهراب، ۱۳۹۰، هشت کتاب، چاپ دوم، انتشارات مبین اندیشه.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۴، نگاهی به سهراب سپهری، چاپ ششم، تهران، انتشارات مروارید.
- عابدی، کامیار، ۱۳۹۳، از مصاحبت آفتاب، چاپ دوم، تهران، نشر ثالث.
- ماریان یورگنسن، لوییز فیلیپس، ۱۳۹۴، نظریه وروش در تحلیل گفتمان، چاپ پنجم، نشر نی.
- هلیدی، مایکل؛ حسن، رقیه، ۱۳۹۵، زبان، بافت و متن، چاپ دوم، انتشارات علمی.
- یار محمدی، لطف الله، ۱۳۹۳، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، چاپ دوم، انتشارات هرمس.



- واردی، زرین، ۱۳۸۴، باغ عرفان سهراب، زمستان، نشریه ادب و زبان فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۳.
- اردلانی، شمس الحاجیه، ۱۳۹۵، کارکرد اسطوره در اشعار سهراب، فصلنامه ادبیات عرفانی واسطوره شناختی، ش ۴۲.
- نعمتی، آزاده، ۱۳۸۶، تحلیل دستوری-گفتمانی منظومه صدای پای آب سهراب سپهری مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.